

سری کتاب‌های کمک‌آموزشی کارشناسی ارشد

حقوق اساسی

مجموعه حقوق

مؤلف: ملیحه زندنا



زندنا، ملیحه

حقوق اساسی رشته حقوق بین الملل / ملیحه زندنا

مهر سبحان، ۱۴۰۴

۳۵۰ ص : جدول، نمودار (آمادگی آزمون کارشناسی ارشد حقوق بین الملل)

ISBN: 978-964-164-877-2

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

فارسی - چاپ سوم

۱- حقوق اساسی ۲- آزمونها و تمرینها (عالی) ۳- آزمون دوره های تحصیلات تکمیلی

۴- دانشگاهها و مدارس عالی - ایران - آزمونها

الف) ملیحه زندنا

ج - عنوان

عنوان

ح ۳۱۶۳/ص ۳۲۵۳ LB

۳۷۸/۱۶۶۴

۸۵/۳۹۸۰۱ م

کتابخانه ملی ایران

حقوق اساسی

نام کتاب: ☒

ملیحه زندنا

مؤلف: ☒

سمیه بیگی

مدیر تولید: ☒

مینا فرخزادی

ویراستار علمی: ☒

مهر سبحان

ناشر: ☒

سوم / ۱۴۰۴

نوبت و تاریخ چاپ: ☒

جلد ۲۰۰۰

تیراژ: ☒

۵/۹۱۰۰۰۰

قیمت: ☒

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۱۶۴-۸۷۷-۲

شابک: ☒

انتشارات مهر سبحان: خیابان ولیعصر، بالاتر از تقاطع مطهری، روبروی قنادی هتل بزرگ تهران، جنب بانک ملی، پلاک ۲۰۵۰
تلفن: ۸۸۱۰۰۱۱۳-۴

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه آموزش عالی آزاد ماهان می باشد و هر

مقدمه ناشر

آیا آنانکه می‌دانند با آنانکه نمی‌دانند برابرند؟ (قرآن کریم)

پس از حمد و سپاس و ستایش به درگاه بی‌همتای احدیت و درود بر محمد مصطفی، عالی نمونه بشریت که در تاریخ دور تاریخ، بنا به فرمان نافذ صمدیت از میان مردمی برخاست که خود بودند در پست‌ترین حد توحش و ضلال و بربریت و آنگاه با قوانین شامل خویش هم ایشان را راهبری نمود و رهانید از بدویت و استعانت جوییم از قرآن کریم، کتابی که هست جاودانه و بی‌نقص تا ابدیت.

کتابی که در دست دارید آخرین ویرایش از مجموعه کتب خودآموز مؤسسه آموزش عالی آزاد ماهان است که بر مبنای خلاصه درس و تأکید بر نکات مهم و کلیدی و تنوع پرسش‌های چهار گزینه‌ای جمع‌آوری شده است. در این ویرایش ضمن توجه کامل به آخرین تغییرات در سرفصل‌های تعیین شده جهت آزمون‌های ارشد تلاش گردیده است که مطالب از منابع مختلف معتبر و مورد تأکید طراحان ارشد با ذکر مثال‌های متعدد بصورت پرسش‌های چهار گزینه‌ای با کلید و در صورت لزوم تشریح کامل ارائه گردد تا دانشجویان گرامی را از مراجعه به سایر منابع مشابه بی‌نیاز نماید.

لازم به ذکر است شرکت در آزمون‌های آزمایشی ماهان که در جامعه آماری گسترده و در سطح کشور برگزار می‌گردد می‌تواند محک جدی برای عزیزان دانشجو باشد تا نقاط ضعف احتمالی خود را بیابند و با مرور مجدد مطالب این کتاب، آنها را برطرف سازند که تجربه سال‌های مختلف موکد این مسیر به عنوان مطمئن‌ترین راه برای موفقیت می‌باشد.

لازم به ذکر است از پورتال ماهان به آدرس www.mahanportal.ir می‌توانید خدمات پشتیبانی را دریافت دارید.

و نیز بر خود می‌بالیم که همه ساله میزان تطبیق مطالب این کتاب با سؤالات آزمون‌های ارشد- که از شاخصه‌های مهم ارزیابی کیفی این کتاب‌ها می‌باشد- ما را در محضر شما سربلند می‌نماید.

در خاتمه بر خود واجب می‌دانیم که از همه اساتید بزرگوار و دانشجویان ارجمند از سراسر کشور و حتی خارج از کشور و همه همکاران گرامی که با ارائه نقطه نظرات سازنده خود ما را در پربارتر کردن ویرایش جدید این کتاب یاری نمودند سپاسگزاری نموده و به پاس تلاش‌های بی‌چشمداشت، این کتاب را به محضرشان تقدیم نماییم.

مؤسسه آموزش عالی آزاد ماهان

معاونت آموزش

**مسائل حقوق اساسی**

فصل اول: کلیات	۱۱
فصل دوم: منابع حقوق اساسی	۱۳
سؤالات چهارگزینه‌ای فصل اول و دوم	۲۴
پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای فصل اول و دوم	۲۸
فصل سوم: دولت - کشور	۳۳
سؤالات چهارگزینه‌ای فصل سوم	۳۹
پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای فصل سوم	۴۶
فصل چهارم: حاکمیت و حکومت (GOVERNMENT)	۵۱
سؤالات چهارگزینه‌ای فصل چهارم	۶۰
پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای فصل چهارم	۷۲

حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران

فصل اول: منابع حقوق اساسی ایران	۸۳
فصل دوم: مشخصات جمهوری اسلامی ایران	۹۱
فصل سوم: حقوق ملت	۹۵
فصل چهارم: اقتصاد	۱۰۳
فصل پنجم: حق حاکمیت ملت	۱۰۹
سؤالات چهارگزینه‌ای فصل پنجم	۱۱۲
پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای فصل پنجم	۱۲۰
فصل ششم: قوه مقننه	۱۲۷
سؤالات چهارگزینه‌ای فصل ششم	۱۳۵
پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای فصل ششم	۱۶۱
سؤالات چهارگزینه‌ای فصل هفتم	۱۶۴
پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای فصل هفتم	۱۶۸
فصل هشتم: رهبری	۱۷۳
سؤالات چهارگزینه‌ای فصل هشتم	۱۷۸
پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای فصل هشتم	۱۸۴
فصل نهم: قوه مجریه	۱۹۱
سؤالات چهارگزینه‌ای فصل نهم	۱۹۷
پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای فصل نهم	۲۰۷

۲۱۷	فصل دهم: سیاست خارجی
۲۲۱	فصل یازدهم: قوه قضائیه
۲۲۵	سؤالات چهارگزینه‌ای فصل یازدهم
۲۳۲	پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای فصل یازدهم
۲۳۹	فصل دوازدهم: نهادهای اساسی خاص
۲۴۸	سؤالات چهارگزینه‌ای فصل دوازدهم
۲۵۳	پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای فصل دوازدهم
۲۵۶	ضمائم
۲۹۱	سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۸۹
۲۹۳	پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۸۹
۲۹۴	سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۹۰
۲۹۶	پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۹۰
۲۹۷	سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۹۱
۲۹۹	پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۹۱
۳۰۱	سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۹۲
۳۰۳	پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۹۲
۳۰۵	سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۹۳
۳۰۷	پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۹۳
۳۰۸	سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۹۵
۳۰۹	پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۹۵
۳۱۱	سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۹۴
۳۱۳	پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۹۴
۳۱۴	سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۹۶
۳۱۶	پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۹۶
۳۱۸	سؤالات و پاسخنامه تشریحی کنکور سراسری ۹۷ الی ۱۴۰۴

بخش اول

کلیات و مبانی حقوق اساسی

عناوین اصلی

- ❖ کلیات
- ❖ منابع حقوق اساسی
- ❖ دولت - کشور
- ❖ حاکمیت و حکومت (Government)

فصل اول

کلیات و منابع حقوق اساسی

عناوین اصلی

- ❖ کلیات و تعریف حقوق اساسی
- ❖ جایگاه حقوق اساسی در علم حقوق
- ❖ موضوع حقوق اساسی
- ❖ منابع حقوق اساسی
- ❖ نکات ویژه حقوق اساسی

فصل اول

کلیات

بخش اول: کلیات حقوق اساسی

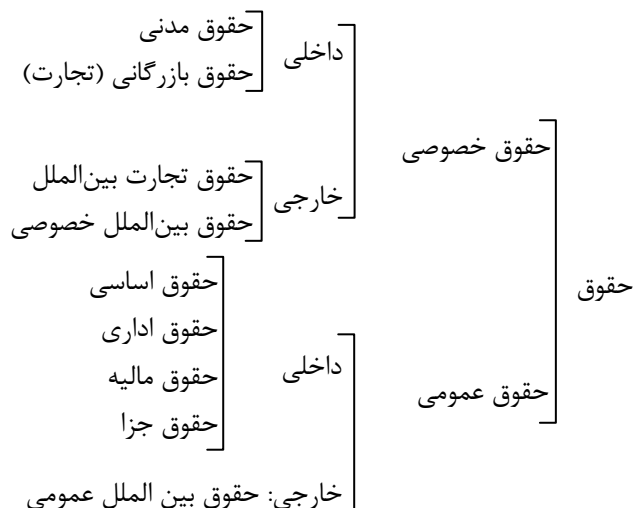
قسمت اول نوشته حاضر مشتمل بر مباحثی از حقوق اساسی عمومی یا کلیات حقوق اساسی است که به منظور آشنایی با برخی از مفاهیم و تعاریف مربوط به حقوق اساسی نگاشته شده است.

با آموختن حقوق اساسی، با اساسی‌ترین مسایل جامعه و تشکیلات بشری مثل: دولت، حکومت، رژیم سیاسی، نهادهای سیاسی، ساختمان حکومت و ارکان آن و حدود وظایف و اختیارات قوای مقننه و مجریه و قضائیه و کیفیت روابط آنها و نهایتاً با حقوق و آزادی‌های فردی و قلمرو حکومت در برابر مردم آشنا می‌شویم.

بخش اول: تقسیمات حقوق

مباحث حقوقی بر اساس تمایز در منشأ، موضوع و اهداف به رشته‌های مختلفی تقسیم می‌شوند که مهم‌ترین آنها، تقسیم حقوق به حقوق خصوصی و عمومی می‌باشد.

در حقوق خصوصی، روابط افراد که عمدتاً مبتنی بر اراده‌های شخصی است مطرح می‌باشد اما در حقوق عمومی، رابطه نهادهای سیاسی مانند رابطه قوه مقننه با قوه مجریه مورد بحث می‌باشد که در آنها اراده جمعی مطرح است. همچنین روابطی که در حقوق خصوصی، موضوع قواعد و مقررات حقوقی است ساده‌تر از روابط پیچیده و عمیقی است که در حقوق عمومی مطرح هستند. نکته دیگر اینکه، در حقوق عمومی، آثار و نتایج مباحث حقوقی، در برگیرنده حقوق عموم افراد و یا بخش وسیعی از یک ملت می‌باشد در صورتی که در حقوق خصوصی چنین نیست. و بالاخره می‌توان گفت: چون حقوق عمومی با حاکمیت ملازمه دارد و جدا از اقتدار عمومی نیست، بنابراین حقوق عمومی، قواعد حاکم بر تشکیلات دولت و روابط سازمان‌های وابسته آن با مردم است. اکنون شاخه‌های مختلف علم حقوق را در نمودار زیر به نمایش درمی‌آوریم تا موقعیت حقوق اساسی برای شما روشن شود:





ملاحظه می‌شود که حقوق اساسی در دسته‌بندی حقوق عمومی از نوع داخلی جای می‌گیرد. در اثبات اینکه حقوق اساسی جزئی از حقوق عمومی محسوب می‌شود، نظریات ذیل ارائه شده است:

۱. نظریه موضوعی: موضوع اصلی حقوق خصوصی، فرد و موضوع اصلی حقوق عمومی، کلیت جامعه است. در حقوق اساسی نیز موضوع اصلی ناظر بر دولت - کشور می‌باشد.
۲. نظریه اندامی: جامعه طبق نظر "دوگی" از "فرمانروایان" و فرمانبران تشکیل شده است. حقوق خصوصی ناظر بر روابط بین فرمانبران و حقوق عمومی ناظر بر روابط بین فرمانروایان و فرمانبران می‌باشد. حقوق اساسی، جنبه سیاسی روابط مذکور را بررسی می‌نماید.
۳. نظریه مادی: در حقوق خصوصی، هدف اصلی سود فردی اشخاص است و در حقوق عمومی، این هدف عبارت است از سود و مصالح عمومی. در حقوق عمومی نیز جنبه مصالح عمومی، غالب است.
۴. نظریه شکلی: در حقوق عمومی، قواعد نوعاً آمره می‌باشند و تراضی بر خلاف آنها امکان ندارد؛ در حالی که حقوق خصوصی این‌طور نیست. حقوق اساسی نیز متشکل از قواعد نوع اول می‌باشد.
۵. نظریه سلسله مراتب: حقوق عمومی نسبت به حقوق خصوصی اولویت دارد و بر آن مقدم است.
۶. نظریه پویایی: حقوق عمومی نسبت به حقوق خصوصی پویاتر است و تغییر آن بنا به مصلحت بیشتر از حقوق خصوصی محتمل می‌باشد.

بخش دوم: تقسیمات حقوق اساسی

حقوق اساسی را می‌توان به دو بخش زیر تقسیم نمود:

- ۱- حقوق اساسی عمومی: که شامل مباحث کلی در زمینه‌های اصول و قواعد عمومی سازمان‌های سیاسی کشورهای مختلف جهان می‌باشد و مباحث و مفاهیم قابل طرح در این بخش، مختص کشور خاصی نیست، بلکه هدف این قسمت از حقوق اساسی، آشنایی با مبانی این رشته و مفاهیمی از قبیل دولت و... می‌باشد. (قسمت اول این کتاب)
- ۲- حقوق اساسی اختصاصی: که منحصرأ درباره تشکیلات و سازمان‌های سیاسی کشور خاصی بحث می‌کند. مثلاً بحث درباره حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران و نهادهای سیاسی و ساختار حکومت ایران. (قسمت دوم این کتاب)

بخش سوم: تعریف حقوق اساسی

حقوق اساسی بخشی از حقوق عمومی داخلی است که شکل حکومت و سازمان‌ها و نهادهای سیاسی و وظایف و اختیارات قوای عالی و نیز روابط نهادهای مزبور را با هم تعیین می‌کند و همچنین حقوق عمومی افراد را که دولت مکلف به احترام آنها می‌باشد، مشخص می‌نماید. حقوق اساسی دارای دو صفت عمومی و اساسی است که صفت اول به معنای این است که آثار و نتایج آن به عموم افراد یک ملت مربوط می‌گردد و صفت اساسی یعنی رشته‌ای از حقوق که از اساسی‌ترین مسایل مربوط به جامعه مثل حکومت و تشکیلات آن و یا اساسی‌ترین مسایل انسان‌ها مثل حقوق و آزادی‌های فردی، اجتماعی و... بحث می‌کند.

بخش چهارم: موضوعات مورد بحث در حقوق اساسی

موضوع حقوق اساسی را می‌توان چارچوب‌بندی حقوقی پدیده‌های سیاسی دانست ولی (موریس دورژه) معتقد است حقوق اساسی همان است که می‌توان آن را حقوق سیاسی نامید و آن را هم‌دوش علم سیاست دانست. موضوعاتی که در حقوق اساسی مورد بحث واقع می‌شوند عبارتند از:

- ۱) دولت و شرایط تشکیل و انواع آن
- ۲) سازمان‌ها و نهادهای سیاسی و روابط آنها با یکدیگر وظایف آنها
- ۳) حقوق ملت و حدود آزادی‌های فردی و عمومی
- ۴) تبیین طرز شرکت مردم در ایجاد قوای عالی و به عبارتی، طرز اعمال حق حاکمیت مردم و رفتار متقابل ملت و دولت

فصل دوم

منابع حقوق اساسی

عناوین اصلی

- ❖ قانون اساسی
- ❖ راه‌های وضع قانون اساسی
- ❖ تجدید نظر در قانون اساسی
- ❖ تفاوت‌های قانون اساسی با سایر قوانین
- ❖ انواع قانون اساسی
- ❖ سایر منابع حقوق اساسی

فصل دوم

منابع حقوق اساسی

کلیه عواملی که در ایجاد، توسعه و تکامل حقوق نقش داشته و قواعد و حقوقی از آن ریشه می‌گیرد، منابع حقوق نامیده می‌شوند. در هر کشوری، منبع حقوق آن مقام و قدرتی است که حق وضع قواعد و تحمیل رعایت آن را برعهده دارد و این امر، در حکومت‌های آزاد و نظام‌های لائیک که حکومت، مبتنی بر آراء و اراده ملت می‌باشد، صادق است. اما در حکومت‌های مبتنی بر تفکر توحیدی و جهان بینی اسلامی که فقط اراده باری تعالی، منبع و منشأ اصلی حقوق می‌باشد، مثل ایران، منابع اصلی حقوق اساسی، قرآن و سنت می‌باشند. به طور کلی، منابعی که حقوق‌دانان برای حقوق اساسی ذکر کرده‌اند به شرح ذیل می‌باشد:

بخش اول: قانون اساسی

قانون اساسی، شالوده سیستم حکومت هر کشور و چارچوب و اساس حقوق آن محسوب می‌شود و معمولاً دارای اصول و قواعد اساسی شکل حکومت و قوای آن و حدود اختیارات و وظایف نهادهای اساسی و حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی و سیاست‌گذاری‌های کلی فرهنگی و اقتصادی و سیاسی کشور می‌باشد. در کشورهایی که اداره اجتماع و حکومتشان بر مبنای یک سند نوشته به نام قانون اساسی می‌باشد، این سند، مهم‌ترین منبع حقوق اساسی آنها به شمار می‌رود. بنابراین در این بخش از نوشته حاضر، مباحثی درباره این سند مهم سیاسی - اجتماعی ارائه می‌شود.

مبحث اول: تعریف قانون و قانون اساسی

واژه قانون، از لغت یونانی (Kanon) گرفته شده و دارای معانی متعددی مانند قاعده، ترتیب، سنت، دستور و اصل هر چیز می‌باشد. اما در اصطلاح دانشمندان، (قانون به ضابطه‌ای کلی گفته می‌شود که بر جمعی از افراد منطبق شده و حکم همه آن افراد از آن ضابطه گرفته می‌شود و لفظ قانون معمولاً به یک سلسله حقوق و تکالیف اطلاق می‌شود.)

و اما قانون اساسی همان‌طوری که از نامش پیداست، «مجموعه قواعد و مقرراتی است که براساس حکومت و صلاحیت قوای مملکت و حقوق و آزادی‌های فرد و جامعه و روابط بین آنها حاکم می‌باشد و برخلاف سایر قوانین، شامل دسته و گروه خاصی از افراد جامعه نمی‌باشد بلکه بیانگر حقوق و تکالیف همه افراد یک کشور، صرف‌نظر از شغل و مقام و موقعیت‌شان می‌باشد.»

- نظرات امام خمینی (ره) در مورد قانون

حضرت امام خمینی (ره) در کتاب حکومت اسلامی می‌فرمایند: «فرق اساسی حکومت اسلامی با حکومت‌های مشروطه سلطنتی و جمهوری در این است که در این‌گونه رژیم‌ها، شاه یا نمایندگان مردم به قانون‌گذاری می‌پردازند در حالی که در اسلام، قدرت قانون‌گذاری و اختیار تشریع به خداوند متعال اختصاص یافته است و هیچ‌کس حق قانون‌گذاری ندارد و هیچ قانونی جز حکم شارع مقدس را نمی‌توان به مورد اجرا گذاشت.»

همچنین در جایی دیگر می‌فرمایند: «حکومت اسلام، حکومت قانون است و در این طرز حکومت، حاکمیت منحصر به خداست و قانون، فرمان خداست و فرمان خدا بر همه افراد و بر دولت اسلامی، حکومت تام دارد. همه افراد از رسول اکرم (ص) تا خلفای آن حضرت و سایر افراد تا ابد تابع قانون می‌باشند، همان قانونی که از طرف خداوند بلندمرتبه نازل شده و در لسان قرآن و نبی اکرم (ص) بیان شده است. قانونی که همه، بدون استثناء، بایستی از آن پیروی و تبعیت کنند.»



آنچه که حضرت امام (ره) فرموده‌اند به هیچ وجه به معنای ردّ نقش مردم در سرنوشت خودشان و دموکراسی و آزادی انسان‌ها نیست و نکته حائز اهمیت این است که در حکومت اسلامی، مردم به مراتب آزادتر و آگاهانه‌تر درباره سرنوشت خود تصمیم می‌گیرند و برخلاف کشورهای به اصطلاح مترقی، در واقع فرد فرد مردم در حکومت اسلامی، قانون حاکم بر خود را انتخاب می‌کنند و با پذیرش اسلام، قانون مورد نظر خود را قبل از این که برای آنها تهیّه و سپس تحمیل کنند، برگزیده‌اند.

بنابراین قانون‌گذاران در حکومت اسلامی، که از طرف مردم مسلمان انتخاب می‌شوند طبعاً باید به اعتبار انتخاب قبلی مردم (یعنی انتخاب اسلام و قوانین آن)، فقط چیزی را به نام قانون تدوین و تنظیم کنند که مردم چارچوب آن را مشخص کرده و لذا می‌توان گفت نمایندگان خبرگان و مجلس شورای اسلامی در حکومت اسلامی، فقط حقّ کشف و استخراج قوانین اسلام از منابع و مآخذی که مسلمانان خود را موظف به پیروی از آنها نموده‌اند را دارا می‌باشند.

مبحث دوم: عوامل ظهور قوانین اساسی

عوامل ظهور قوانین اساسی در جوامع گوناگون به شرح ذیل می‌باشد:

۱- تحول تدریجی جوامع و آمادگی ذهنی و فرهنگی مردم و فرمانروایان؛ مانند منشور کبیر که پادشاه بریتانیا آن را تحت فشارهای سیاسی و اجتماعی، به عنوان یک ساز و کار خود محدودیتی، صادر نمود.

۲- ایجاد کشورهای جدید

۳- حوادث دگرگون کننده؛ مثل انقلاب‌ها و کودتاها که رژیم قبلی ساقط و رژیمی جدید مستقر می‌گردانند.

مبحث سوم: راه‌های وضع قانون اساسی

چون قانون اساسی در هر کشوری دارای جایگاه و اهمیت ویژه‌ای می‌باشد لذا در تدوین آن از شیوه‌های خاصی استفاده می‌شود که مشمول مقررات پیچیده‌ای بوده و تشریفات جداگانه‌ای نسبت به سایر قوانین دارد. روش‌های مختلفی که معمولاً کشورهای مختلف در وضع قانون اساسی مورد استفاده قرار می‌دهند عبارتند از:

۱) در بعضی از کشورها، مقام صلاحیت‌دار برای تدوین قانون اساسی، حاکم و شاه آن کشورها می‌باشد و این شاه است که کلیّه مقررات حاکم بر نظام و حتّی شکل حکومت را تعیین می‌کند. مانند کشور ما در ۱۴ جمادی الثانی ۱۲۸۵ شمسی که فرمان مشروطیت از طرف مظفرالدین شاه قاجار به ملت داده شده و متعاقب آن، مجلس ملّی تشکیل شد و اقدام به تدوین قانون اساسی نمود.

امروزه در بعضی از کشورهای دموکراتیک، معمولاً مردم را مقام صلاحیت‌دار دانسته و تدوین قانون اساسی را برعهده ملت‌ها و خواست و اراده آنها قرار داده‌اند که این شیوه خود به دو طریق اعمال می‌گردد:

الف: روش مستقیم و بی‌واسطه که مردم مباشرة با انجام رفراندوم اقدام به تدوین قانون اساسی می‌کنند.

ب: روش غیرمستقیم و با واسطه که مردم با اعطای وکالت و نیابت به نمایندگان خود، حقّ تدوین قانون اساسی را به منتخبین خود واگذار می‌کنند که نمایندگان آنها در مجمعی به نام «مجلس موسسان»، «مجلس خبرگان» و... جمع شده و به تدوین قانون اساسی می‌پردازند.

۲) روش دیگر، روش مضاعف خبرگان- رفراندوم می‌باشد. در این شیوه، ابتدا مردم عده‌ای را برای تهیّه و تنظیم قانون اساسی انتخاب می‌کنند و پس از تهیّه آن به‌وسیله منتخبین مردم، دوباره توسط خود مردم تأیید یا رد می‌گردد. در این روش چنانچه خواسته‌های مردم در مرحله اول، در متن قانون برآورده نشده باشد، قانون اساسی مورد قبول واقع نشده و مجدداً تهیّه و تنظیم می‌گردد.

۳) در نظام جمهوری اسلامی ایران که قانون ناشی از خواست و اراده مردم نیست و منشاء آن، دستورات و احکام صادره از جانب خالق حکیم و قادر مطلق می‌باشد و توسط کتاب و سنت در اختیار ماست، به وسیله خبرگان دین و مکتب تنظیم شده و با نظرخواهی از مردم، بر استنباط خبرگان از قوانین اسلامی صحه گذارده شده و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در همه‌پرسی ۱۲ آذر ۱۳۵۸ مورد تأیید نهایی ملت قرار گرفته و به مورد اجرا گذاشته می‌شود.

مبحث چهارم: تجدید نظر در قانون اساسی

تجدید نظر در قانون اساسی یعنی کسر، الحاق و یا تغییر یک یا چند اصل از اصول آن.

اما در مورد این که آیا اساساً تجدید نظر در قانون اساسی ممکن است یا نه، و در صورت امکان، آیا صحیح می‌باشد یا نه، آراء مختلفی ارائه شده است:

عده‌ای از اندیشمندان حقوق اساسی معتقدند از آنجایی که قانون ناشی از نیازها و شرایط خاصّ بشر است و از طرفی، این نیازها و شرایط دائماً در حال تغییر هستند، لذا قانون هم باید متناسب با آن نیازها و شرایط، اصلاح گردد.



عده‌ای دیگر عقیده دارند تجدید نظر در قانون اساسی تابع ملاحظات سیاسی یک کشور است و به همین جهت، مسأله تجدید نظر در قانون اساسی در کشورهای دنیا متفاوت است.

در هر صورت، هدف از تجدید نظر قانون اساسی دو چیز است: ۱- اصلاح ۲- تکمیل

در کشورهایی که لزوم تجدید نظر در قانون اساسی را پذیرفته اند، دو مسأله مطرح است:

الف) مقام تشخیص دهنده تجدید نظر: یعنی لزوم تجدید نظر یا فرارسیدن زمان آن توسط قوه مجریه یا مجالس قانون‌گذاری یا هر دوی آنها و یا از طریق رفراندوم، طبق قانون معین شده و پیشنهاد یا درخواست هریک از این مقامات، در مرجع دیگر یا خودشان مطرح می‌شود.

ب) مقام تجدید نظر کننده: ممکن است مقام تشخیص دهنده تجدید نظر در قانون اساسی با مقام تجدید نظر کننده در کشوری متفاوت باشد و یا کشوری بخواهد که به دلایلی، این دو مرجع، جدا از هم باشند. لذا ممکن است در قوانین کشوری مطرح می‌شود که در صورت پیشنهاد تجدید نظر از طرف یک یا چند مرجع و مقام تشخیص دهنده، مقام یا مقامات دیگری باید به این امر مبادرت ورزند.

شیوه‌های تجدید نظر در قانون اساسی

معمولاً طریقه تجدید نظر، در خود قانون اساسی پیش بینی می‌شود و در تمام کشورهای دنیا، تشریفات که برای وضع قوانین عادی اعمال می‌شود درباره تغییرات و وضع قانون اساسی به کار نمی‌رود؛ به جز انگلستان که فرقی بین قوانین عادی و قانون اساسی وجود ندارد و لذا از تشریفات خاصی هم برخوردار نیست.

بازنگری قانون اساسی در بیشتر کشورها مشروط به دو شرط «زمانی» و «موضوعی» است. به این معنی که برای تجدید نظر در آن لازم است زمان معینی (مثلاً ۱۰ سال) بگذرد و نیز برخی موضوعات آن قابل تجدید نظر نیستند.

در کشورهایی که قانون اساسی مدون وجود دارد، برای تجدید نظر در قانون اساسی، ممکن است یکی از روشهای زیر اعمال شود:

- ۱) حضور $\frac{2}{3}$ نمایندگان مجلس یا مجلسین (آلمان- شوروی سابق)
- ۲) با تشکیل مجلس واحد از مجالس مقننه و با رای اکثریت آنها (فرانسه)
- ۳) تصویب اکثریت نمایندگان مجلس یا مجلسین و تصویب نهایی با رفراندوم
- ۴) مجالس مقننه لزوم تجدید نظر را تشخیص داده و سپس منحل می‌شوند و پس از انتخابات جدید، مجالس جدید با رأی $\frac{2}{3}$ نمایندگان حاضر در جلسه، تغییرات لازم را انجام می‌دهند. (بلژیک)

مبحث پنجم: محتوای قانون اساسی

قوانین اساسی در کشورهای دنیا از دو بخش یا بیشتر تشکیل می‌شوند:

۱) مقدمه قانون اساسی که معمولاً حاوی کلیات، اهداف، و اصول کلی و آرمانهای ملت‌ها است که الهام بخش قانون‌گذار عادی است. مقدمه قانون اساسی اعلام کننده ایدئولوژی، فلسفه سیاسی دولت و نظام حاکم و طرز تلقی آن از جامعه و انسان و حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی می‌باشد.

۲) قسمت اصلی قانون اساسی که در برگیرنده اصول و احکام حقوقی هر قانونی بوده و در ضمن دارای ضمانت اجرا نیز می‌باشد و بیان‌کننده ساختار تشکیلات حکومت و دولت و روابط بین نهادها و سازمان‌های نظام مربوط و نیز روابط بین دولت و ملت و... می‌باشد.

۳) موخره که ممکن است حاوی مبانی و نکات زیربنایی و مستندات قانون و یا نکاتی از این قبیل باشد.

مبحث ششم: تفاوت‌های قانون اساسی با سایر قوانین

۱) از لحاظ وضع و تصویب: وضع و تصویب قانون اساسی در هر کشوری دارای تشریفات و مقرراتی است که برای وضع و تصویب قوانین عادی رعایت نمی‌شود.

۲) از لحاظ تفسیر: همان طور که تصویب قانون اساسی به عهده مرجع خاصی قرار داده می‌شود، تفسیر آن نیز توسط مراجع خاصی



انجام می‌شود. مثلاً در ایران، تفسیر قوانین عادی با مجلس شورای اسلامی است ولی تفسیر قانون اساسی برعهده شورای نگهبان است.

۳) از لحاظ تجدید نظر یا ثبات: قوانین اساسی معمولاً کمتر از قوانین عادی دچار تغییر و تبدیل می‌گردند.

۴) از لحاظ درجه اعتبار: قانون اساسی در رأس قوانین هر کشور قرار دارد و محور اصلی و اساسی تمایز تمامی قوانین به شمار می‌رود.

مبحث هفتم: ضمانت اجرای قانون اساسی

یکی از صفات بارز قاعده حقوقی، صفت ضمانت اجرایی آن می‌باشد و چون قانون اساسی پس از تصویب، امضا و انتشار به صورت یک قاعده حقوقی درمی‌آید بر همگان واجب است از آن پیروی کرده و به آن احترام بگذارند.

کشورهای مختلف، ضمانت اجرای متفاوتی برای قانون اساسی در نظر گرفته‌اند. بعضی از کشورها مانند آمریکا، نظارت بر اجرای مقررات قانون اساسی را برعهده یک دستگاه قضایی می‌گذارند و در آمریکا، دیوان عالی کشور، این وظیفه را برعهده دارد. و یا ممکن است کشوری این نظارت را برعهده یک دستگاه سیاسی قرار دهد.

در ایران، ضمانت اجرای مقررات قانون اساسی برعهده دستگاه‌های مختلفی قرار داده شده است که بعضاً دارای جنبه قضایی، سیاسی و یا عمومی هستند. از آن جمله:

- ۱) مردم: طبق اصل هشتم ق. اساسی
- ۲) نهاد رهبری: طبق اصل ۵۷ ق. اساسی
- ۳) نهاد ریاست جمهوری: طبق اصل ۱۱۳ و ۱۲۶ ق. اساسی
- ۴) شورای نگهبان: طبق اصل ۹۲ ق. اساسی
- ۵) مجلس شورای اسلامی: طبق اصل ۹۰ ق. اساسی
- ۶) قوه قضائیه: طبق اصل ۱۵۶ ق. اساسی

مبحث هفتم: ویژگی‌های قانون اساسی

۱) قانون اساسی هر کشوری باید مبتنی بر یک سری اصول و معیارهای خاص ملت و اجتماع مختص خود باشد و با در نظر گرفتن ارزش‌های خاص جامعه خود، تهیه و تنظیم شود.

۲) قانون اساسی هر کشوری، چه در محتوا و چه در شکل نباید تقلید صرف باشد بلکه باید با اوضاع سیاسی، اقتصادی، مذهبی و فرهنگی جامعه خود کاملاً مطابقت داشته باشد.

۳) در قانون اساسی فقط باید به امور کلی و اساسی پرداخته شود و از مسایل غیراساسی خودداری گردد. مثلاً نباید شرایط انتخابات، سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها در قانون اساسی ذکر شود چون محل بیان این موارد، قوانین عادی می‌باشد. به عبارت دیگر، قانون اساسی نباید با پرداختن به مسایل جزئی و غیراساسی، از حالت بنیادی خارج گردد.

۴) تمامی موارد ذکرشده در قانون اساسی باید قابلیت اجرا داشته باشند و از ذکر موادی که قابل اجرا نیست جداً پرهیز گردد.

۵) اصول قانون اساسی باید کاملاً واضح و صریح و روشن بوده و عاری از هرگونه پیچیدگی و ابهام باشد تا تفسیر و تحلیل آن برحسب شرایط و اوضاع متغیر، دستخوش تفاسیر شخصی و سلیقه‌ای یا گروهی نگردد.

۶) اصول قانون اساسی در بیان مطالب و اعطای وظایف و مسئولیت‌ها باید به گونه‌ای تنظیم گردد که هیچ اصلی با اصل یا اصول دیگر، تعارض نداشته باشد.

۷) صرف‌نظر از بعضی اصول و معیارهای بنیادی قانون اساسی که ثابت و لایتغیر هستند، بسیاری از اصول و مواد آن، خصوصاً از نظر شکل و تنظیم روابط بین نهادها، ناشی از اراده مقننین و نمایندگان هر ملت و کشوری می‌باشد و قابل تغییر هستند. لذا باید اصل یا اصولی راجع به شیوه بازنگری و تجدید نظر در قانون اساسی قید شود و این مقررات مربوط به تجدید نظر و بازنگری و تشریفات مربوط به آن، نباید به گونه‌ای سخت و مشکل باشد که این امر را غیرممکن سازد و در ضمن نباید به اندازه‌ای سهل و آسان باشد که با هر درخواست و تقاضایی، قابل تجدید نظر و دچار تغییر و تحول گردد.

مبحث هشتم: انواع قانون اساسی

طبقه‌بندی قوانین اساسی می‌تواند به چند اعتبار صورت گیرد:

۱) تقسیم به اعتبار مدون بودن قانون اساسی: قانون اساسی مدون یعنی تمامی مقررات و قوانین مربوط به تشکیلات دولت و سازمان‌ها و نهادهای هر کشوری به صورت نوشته یا سندی در مجموعه‌ای به نام قانون اساسی گردآوری شده باشد. امروزه غالب



قوانین اساسی کشورها، به صورت مدون (نوشته) می‌باشند اما بعضی از کشورها، به دلایل گوناگون از نوشتن و تدوین یک قانون اساسی منظم خودداری می‌کنند. مانند انگلستان که در این کشور، عرف و عادات ملی بر قانون غلبه دارد و تکلیف اکثر امور به موجب عرف و عادت معین می‌گردد و ممکن است هر روز بر قانون اساسی این کشور، همانند سایر قوانین عادی، اسناد و مقررات ویژه‌ای اضافه گردد.

۲) تقسیم به اعتبار تعداد متن: قانون اساسی بیشتر کشورها از یک متن تشکیل شده است ولی بعضاً دیده می‌شود که قانون اساسی بعضی از کشورها از دو متن یا بیشتر تشکیل شده است. (قانون اساسی دوره مشروطیت ایران)

۳) تقسیم به اعتبار تعیین مرجع صالح برای تشخیص مغایرت قوانین عادی با قانون اساسی: در این تقسیم‌بندی، قوانین اساسی به دو گروه تقسیم می‌شوند:

الف) قانون اساسی صریح: یعنی در این نوع از قانون اساسی، به صراحت تکلیف قوانین معارض با قانون اساسی مشخص شده است و اختیار اتخاذ تصمیم در این زمینه به دادگاه‌ها و قوه قضائیه داده شده (مانند ایرلند) یا آنها را از این عمل منع کرده‌اند (مانند هلند) و یا این عمل را به نهادهای از خود قوه مقننه واگذار نموده‌اند. (مانند ایران)

ب) قانون اساسی غیرصریح: در کشورهایی که دارای این‌گونه قانون اساسی هستند، در حل تعارض بین قوانین عادی با قانون اساسی صراحتی وجود ندارد ولی در عمل، قوه قضائیه این صلاحیت را داشته و عمل می‌کند. مانند آمریکا که دیوان عالی کشور این کار را می‌کند.

بخش دوم: سایر منابع حقوق اساسی

سایر منابع حقوق اساسی به جز قانون اساسی عبارتند از:

۱) قوانین عادی: که در واقع همان مصوبات مجالس قانون‌گذاری هستند و بعد از قانون اساسی، مهم‌ترین منبع حقوق اساسی به شمار می‌روند. در قانون اساسی ایران نیز موارد زیادی از مسایل حقوق اساسی به قوانین عادی واگذار شده است. مانند مفاد اصول ۷، ۸، ۲۵، ۳۳، ۳۶، ۴۴، ۴۷، ۵۱، ۶۲، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۱۶ و ۱۲۲

۲) عرف و عادات و رسوم (مانند تفویض قانون‌گذاری به کمیسیون‌ها یا اعضای هیأت وزیران)

۳) احکام و فرامین روسای کشورها یا رهبران آنها

۴) نظریات علمای حقوق (دکترین)

۵) رویه‌های قضایی

۶) آیین نامه داخلی مجالس مقننه

نکات مهم ویژگی‌های حقوق اساسی

- جامعه‌ی سیاسی از فرمانروایان و فرمانبران ترکیب شده است. (نظریه لئون دوگی)
- حقوق اساسی به عنوان یکی از شاخه‌های مهم حقوق. اختصاصاً به روابط سیاسی بین فرمانروایان و فرمانبران می‌پردازد.
- مفهوم جامعه، زمانی واقعیت و مصداق خارجی می‌یابد که بین افراد و گروه‌های تشکیل دهنده، گروه‌بندی انسانی روابطی از نوع اجتماعی آن محقق شود.
- جامعه‌ی سیاسی متکامل‌ترین و پیشرفته‌ترین جوامع است، که وجه مشخصه آن وجود قدرت ناب سیاسی است.
- آن دسته از قدرت‌های نهادین موجود در جوامع سیاسی که هدف آن‌ها اعمال نوع ویژه‌ای از قدرت نظیر حکومت و تمشیت امور سیاسی جامعه باشد، قدرت سیاسی به معنای واقعی به شمار می‌آیند.
- جامعه‌ی سیاسی خاستگاه و مقر قدرت سیاسی است.
- جامعه‌ی تکامل یافته همان جامعه‌ی سیاسی است و قدرت تکامل یافته همان قدرت سیاسی است.
- جامعه‌ی سیاسی و قدرت سیاسی دو مفهوم توأمانند.
- منشاء قدرت سیاسی در تشکیل دولت، ناشی از نیاز جامعه است.
- قدرت موجود در درون جامعه‌ی سیاسی از نوع سیاسی است.



- نظم هنجاری مستقر در جامعه‌ی سیاسی باید از خصلت حقوقی برخوردار باشد.
- شرایط تحقق جامعه‌ی سیاسی:
- ۱- جامعه‌ی سیاسی فراگیر و کلی است.
- ۲- جامعه‌ی سیاسی خصلت الزامی دارد.
- ۳- قدرت در جامعه‌ی سیاسی قاهرانه عمل می‌کند.
- اقتدارگرایی، ویژگی چشم‌گیری است که قدرت سیاسی را از سایر قدرت‌ها متمایز می‌کند.
- تأثیر متقابل قدرت و حقوق بر یکدیگر:
- ۱- حقوق بر اثر الزام اجتماعی به وجود می‌آید.
- ۲- قواعد عمومی توسط اقتدار عمومی بر افراد و گروه‌های اجتماعی تحمیل می‌شود.
- ۳- ضمانت اجرای این قواعد توسط قدرت، سازمان‌بندی می‌شود به عبارت دیگر:
- الف) حقوق، قدرت را حقانی می‌کند.
- ب) حقوق، ابزاری است در اختیار قدرت.
- ج) حقوق، وسیله‌ای است برای حمایت علیه قدرت.
- د) حقوق، قدرت را نهادبندی می‌کند و سازمان می‌بخشد.
- بین قانونی بودن و حقانی بودن قدرت تفاوت است. قانونی بودن حکومت به معنای تطابق آن با موازین و مقررات و احکام حقوقی است (مثل حکومت ویشی در فرانسه) ولی حقانیت حکومت، زمانی مورد پذیرش واقع می‌شود که اساس رژیم با قدرت فرد زمامدار سازگار با نظریه‌ی قدرتی باشد که اکثریت مردم به درستی آن ایمان دارند. (مثل حکومت در تبعید ژنرال دوگل)
- حقوق اساسی هم جواز اعمال قدرت بر پایه اصول و قواعد قانونی و هم مانع عملکردهای بی‌بند و بار آن است.
- حقوق اساسی جزئی از حقوق عمومی است.
- موضوع حقوق خصوصی در درجه‌ی نخست فرد است و موضوع حقوق عمومی کلیت جامعه. (نظریه‌ی موضوعی)
- حقوق خصوصی روابط بین فرمانبران را انتظام می‌بخشد و حقوق عمومی روابط بین فرمانبران و فرمانروایان را مورد توجه قرار می‌دهد. (نظریه‌ی اندامی)
- در حقوق خصوصی سود فردی و امور خصوصی از اهمیت اول برخوردار است در حالی که در حقوق عمومی سود عموم و مصلحت اجتماع دارای اهمیت نخستین است. (نظریه‌ی مادی)
- حقوق عمومی بیشتر متشکل از قواعد آمره است و عامل اجبار و یکسویی از طرف قوای عمومی، در آن نقش اول را بازی می‌کند در صورتی که در حقوق خصوصی، روابط حقوقی بر مبنای اراده‌ی آزاد و تساوی طرفین قرارداد بنا نهاده شده است. (نظریه‌ی شکلی)
- حقوق عمومی از حیث اولویت پیش‌تر از حقوق خصوصی قرار می‌گیرد و در پناه حقوق عمومی است که حقوق خصوصی به وجود می‌آید و توسعه می‌پذیرد. (نظریه‌ی سلسله مراتب)
- قواعد حقوق عمومی پویایی و تحرک بیشتری از قواعد حقوق خصوصی دارند. (نظریه پویایی)
- حقوق اساسی از زمره‌ی حقوق داخلی است.
- ساوینی: نسج حقوق دست بافت گذشته‌ی یک ملت است.
- فلسفه از حیث تاریخی مقدم بر علم حقوق است.
- موضوع حقوق اساسی: بررسی پدیده‌های نهادین شده سیاسی با شیوه‌های حقوقی است.
- منابع حقوق اساسی عبارت‌اند از:
- ۱- منابع نوشته
- ۲- منابع عرفی



۳- مددگیری از سایر علوم اجتماعی

- منابع نوشته براساس درجه‌ی اهمیت عبارت‌اند از:

۱- قانون اساسی.

۲- قوانین ارگانیک که دنباله موسع متن قانون اساسی به شمار می‌آیند.

۳- قوانین عادی مصوب دستگاه‌های قانون‌گذار.

۴- اعمال قوه مجریه.

۵- آراء دستگاه‌های کنترل‌کننده مانند شورای قانون اساسی در فرانسه و شورای نگهبان در ایران.

۶- مذاکرات مجالس قانون‌گذار نظیر سوال‌ها، استيضاح و

۷- سایر اسناد و مدارک نظیر آثار مهم علمای حقوق اساسی و

نکات مهم ویژگی‌های قانون اساسی

- شکل‌گیری قواعد عرفی در زمینه سیاسی مانند سایر قلمروها نیاز به گذشت ایام و الزام‌آور شدن این قواعد در اثر عملکرد مداوم و مستمر آن‌ها دارد.
- در حقوق اساسی کشور انگلستان، نقش عرف در شکل‌گیری و حتی نحوه‌ی اجرای رژیم پارلمانی موجد مقرراتی شده است که به آن کنوانسیون‌های حقوق اساسی می‌گویند.
- قانون اساسی به کلیه‌ی قوانین و مقررات موضوعه یا عرفی مدون یا پراکنده‌ای گفته می‌شود که مربوط به قدرت و انتقال و اجرای آن است.
- قانون اساسی از یک سو حد و مرز آزادی فرد را در برابر عملکردهای قدرت (نهادهای فرمانروا) و از سوی دیگر حدود اعمال قوای عمومی را در برخورد با حوزه‌ی حقوق فردی رسم می‌کند.
- قانون اساسی از دو دیدگاه قابل بررسی است:
- ۱- از لحاظ مادی و محتوایی ۲- از حیث شکل ظاهری آن
- در مفهوم مادی قانون اساسی مربوط به ساختار سیاسی، بنیان و استخوان‌بندی دولت- کشور است.
- در مفهوم شکلی قانون اساسی مجموعه‌ای است متضمن اصول و قواعد رفتاری یا سازمانی که در یک متن رسمی و تشریفاتی به وسیله‌ی مقامات صالح به تصویب رسیده و بر افراد و سازمان‌ها و متصدیان امور و قوانین مادی حاکم است.
- گرایش به قوانین اساسی مدون که به ویژه از قرن هجدهم آغاز شده بود معلول دگرگونی‌های مربوط به انقلاب صنعتی بود.
- در مقایسه‌ی قواعد عرفی و متون نوشته می‌توان نتیجه گرفت که قواعد عرفی اکثراً نامشخص و ناقص بود و به آسانی نمی‌شد احصا کرد افزون بر آن، طیف عملکرد عرف و عادت نمی‌توانست قابل ارزیابی باشد.
- متون نوشته بر عکس قواعد عرفی مشخص‌تر و معلوم‌تر بوده است و وسیله‌ی قطعی‌تری برای جلوگیری از خودسری‌ها و خودکامگی‌ها تلقی می‌شد.
- متن نوشته به سبب وضوح و روشنی خطوط و معلوم بودن دامنه و برد قواعد آن، شک و ابهام را از میان بر می‌دارد و در صورت تصویب عام می‌توان آن‌ها را از دسترس قدرت‌های زمامدار بیرون آورد. لذا به عقیده‌ی اکثریت، خصلت‌های دمکراتیک قاعده‌ی نوشته برجسته‌تر از موازین عرفی است.
- نهضت دستورگرایی در جهت تهیه و تدوین قوانین اساسی نوشته و شکلی روز به روز رواج بیش‌تری یافت.
- دلایل ظهور قوانین اساسی عبارت‌اند از:
- الف) به دنبال تحول تدریجی جوامع و آمادگی ذهنی فرمانروایان و شهروندان.
- ب) ایجاد کشورهای جدید.
- ج) حوادث دگرگون‌کننده مانند انقلاب‌ها و کودتاها



- قوانین اساسی عرفی مانند قانون اساسی موضوعه مربوط به انتقال و اجرای قدرت و ساختار سیاسی هر کشور است که در اثر تحولات تدریجی به وجود آمده است. پادشاه بریتانیا با صدور منشور کبیر، اولین قانون اساسی را پایه‌گذاری کرد.
- قانون اساسی بریتانیا مجموعه‌ای از اعلامیه‌ها، منشورها، مصوبات مجلس و هم‌چنین عرف و عادات و کنوانسیون‌هاست.
- قانون اساسی مدون در اکثر موارد متن واحد و جامعی است که کلیه‌ی قواعد مربوط به ساختار سیاسی و قدرت و انتقال و اجرای آن را در بردارد.
- ملاک تقسیم‌بندی قانون اساسی انعطاف ناپذیر (سخت) و قانون اساسی انعطاف‌پذیر (نرم) در چگونگی تجدیدنظر (بازنگری) در قانون اساسی است.
- هنگامی که قانون اساسی را بتوان به شیوه‌ی قوانین عادی مثلاً از طریق قوه‌ی مقننه با همان تشریفات قانون‌گذاری، مورد تجدیدنظر قرار داد به آن اصطلاحاً انعطاف‌پذیر یا نرم می‌گویند.
- بریتانیا و اسرائیل، دارای قوانین اساسی انعطاف‌پذیر (نرم) هستند.
- در قانون اساسی سخت یا انعطاف ناپذیر مراسم بازنگری (تجدیدنظر) توسط مجلس مؤسسان (مجلس خبرگان) یا به وسیله آراء مردم (همه‌پرسی) یا مخلوطی از شیوه‌های مختلف انجام می‌پذیرد.
- تقریباً کلیه قوانین اساسی مدون انعطاف ناپذیر هستند، مثل قوانین اساسی کشورهای ایران - سوئیس - فرانسه - آمریکا و بلژیک و نظایر آن.
- قانون اساسی یک دست آن است که اصول آن دارای ارزشی مساوی هستند. یعنی آئین تجدیدنظر در همه‌ی مقررات آن به یکسان پیش‌بینی شده باشد. غالب قوانین اساسی مدون واجد این خصلت همسانی هستند.
- قوانین اساسی مختلط به متون مصوبی گفته می‌شود که مشتمل بر دو نوع اصول باشد:
- اصولی که با آئین خاص، قابل تجدیدنظرند (انعطاف ناپذیری همگانی) و اصولی که همانند قوانین عادی قابل اصلاح و تغییر باشند.
- قوانین اساسی از لحاظ منشاء شکل‌گیری عبارت‌اند از:
 - (الف) قانون اساسی اقتداری یا اعطایی: از سوی زمامدار بلامنازعی به عنوان امتیاز به مردم داده می‌شود.
 - (ب) قانون اساسی نیمه اقتداری - نیمه اعطایی: به وسیله حاکم مطلق ولی با همکاری یک یا دو مجلس انجام می‌گیرد. (فرمان مشروطیت مظفرالدین شاه نخستین قانون اساسی در مجمعی مرکب از نمایندگان مردم و نمایندگان پادشاه).
 - (ج) قانون اساسی مردم سالار: در بیش‌تر موارد قوانین اساسی ثمره‌ی نهضت‌ها و انقلاب‌ها از طریق مردم یا نمایندگان آن‌ها به تصویب رسیده است.
- قواعد حقوقی به صورت زیر رتبه‌بندی می‌شوند:
 - ۱- قانون اساسی (اعمال قوه‌ی مؤسس)
 - ۲- قانون عادی (اعمال قوه مقننه)
 - ۳- تصویب نامه‌ها و آئین نامه‌ها (اعمال قوه مجریه)
 - ۴- مصوبات انجمن‌ها و شوراها
- برجستگی قانون اساسی نسبت به سایر قوانین یکی به سبب صلاحیت برتر وضع آن و دیگری به علت شیوه‌ی خاص تجدیدنظر در آن است. قوانین اساسی به وسیله‌ی قوه‌ی مؤسس و قانون عادی توسط قوه‌ی مقننه (پارلمان) وضع می‌شود.
- اساساً امر بازنگری قانون اساسی در اکثر کشورها مشروط به دو شرط زمانی و موضوعی است. یعنی باید از تصویب قانون اساسی مدت زمان معینی بگذرد تا تجدیدنظر ممکن باشد.
- اساس کنترل قانون اساسی به وسیله دستگاه قضایی در آمریکا پی‌ریزی شده است.
- روش کنترل قوانین اساسی توسط ارگان سیاسی در فرانسه پی‌ریزی شد.
- شورای قانون اساسی در فرانسه عهده‌دار بررسی انطباق قوانین عادی با قانون اساسی است. اما این امر در کشور انگلستان موضوعیت ندارد.



- شورای قانون اساسی از نه عضو برای مدت نه سال تشکیل می‌شود.
- اعضای شورای قانون اساسی عبارت‌اند از:
- سه نفر از سوی رئیس جمهور، سه نفر از سوی رئیس مجلس ملی و سه نفر دیگر از سوی رئیس مجلس سناء هم‌چنین رؤسای جمهور سابق نیز به‌طور مادام‌العمر خودبه‌خود عضو شورا هستند. رئیس شورا از طرف رئیس جمهور معین می‌شود.
- کنترل قوانین ارگانیک و نظام‌نامه‌ای مجلس پارلمانی، اجباری است.
- قوانین عادی زمانی توسط شورای قانون اساسی بررسی می‌شوند که از سوی برخی مقامات (رئیس جمهور، نخست وزیر و رؤسای هر یک از مجالس و هم‌چنین شصت نماینده یا سناتور) ارجاع شوند.
- مقررات معارض با قانون اساسی اعلام شده توسط شورا نه انتشار خواهد یافت و نه به اجرا گذارده می‌شود. رأی شورا قطعی و غیر قابل تجدیدنظر می‌باشد.

سؤالات چهار گزینه‌ای فصل اول و دوم

- ۱- حقوق اساسی چگونه حقوقی است؟
 (۱) حقوق سیاسی است.
 (۳) حقوق مربوط به قدرت است.
 (۲) حقوق مربوط به دولت است.
 (۴) حقوق روابط فرمانروایان و فرمانبران است.
 (سراسری - ۷۲)
- ۲- حقوق اساسی عبارت است از:
 (۱) حقوق افراد و آزادی‌های عمومی
 (۳) چارچوب‌بندی حقوقی پدیده‌های نهادینه شده سیاسی
 (۲) تفسیر قانون اساسی
 (۴) جامعه‌شناسی نهادهای سیاسی
 (سراسری - ۷۴)
- ۳- قدرت مشروع (حقانی) قدرتی است که:
 (۱) منطبق بر نظام‌های ارزشی جامعه باشد.
 (۳) براساس اخلاق شکل گرفته باشد.
 (۲) منطبق با قانون باشد.
 (۴) مطابق با موازین و اعتقادات دینی باشد.
 (سراسری - ۷۴)
- ۴- عنصر قدرت سیاسی در تشکیل دولت ناشی از است.
 (۱) زور زمامداران (۲) نیاز جامعه (۳) وجود تحمل در جامعه (۴) یک سنت کهن
 (سراسری - ۸۰)
- ۵- از جمله ویژگی‌های حقوق اساسی به عنوان رشته‌ای از حقوق این است که:
 (۱) صرفاً به روابط دولت با مردم می‌پردازد.
 (۲) تنظیم‌کننده روابط بین فرمانروایان است.
 (۳) کلیه روابط افراد را در یک جامعه‌ی سیاسی نظم می‌بخشد.
 (۴) به تعیین روابط بین فرمانروایان و فرمانبران می‌پردازد.
 (سراسری - ۸۱)
- ۶- خاستگاه قدرت است.
 (۱) رئیس کشور
 (۳) جامعه‌ی سیاسی
 (۲) دستگاه‌ها و سازمان‌های حکومتی
 (۴) جامعه‌ی انسانی
- ۷- عنصر قدرت سیاسی در تشکیل دولت ناشی از:
 (۱) یک سنت کهن و عدم ابتکار مردم
 (۳) زور اکتسابی زمامداران
 (۲) وجود تحمل سلطه طلبی در جامعه
 (۴) نیاز جامعه به استقرار نظم و امنیت
 (آزاد - ۸۱)
- ۸- منشاء قدرت سیاسی:
 (۱) نیاز جامعه (۲) زور خالص (۳) حقوق (۴) حقانیت
 (سراسری - ۷۲)
- ۹- در ارزشیابی حقوق و قدرت کدام صحیح است؟
 (۱) حقوق تابعی از قدرت.
 (۲) حقوق قدرت را به وجود می‌آورد.
 (۳) حقوق ابزاری در اختیار قدرت است.
 (۴) قدرت موجب شکل‌گیری حقوق و حقوق موجب استقرار نهایی قدرت می‌شود.
 (سراسری - ۷۴)
- ۱۰- عنصر قدرت سیاسی در تشکیل دولت:
 (۱) ناشی از زور زمامداران
 (۳) ناشی از یک سنت کهن
 (۲) ناشی از وجود تحمل در جامعه
 (۴) ناشی از نیاز جامعه
 (آزاد - ۷۴)
- ۱۱- پدیداری حقوق اساسی:
 (۱) برای بیان آزادی و مطلق‌انگاری قدرت است.
 (۲) رهایی آزادی، را از هرگونه قید و بندی به همراه داشته است.
 (۳) زمینه‌ی تقویت قدرت در استیلا بر آزادی را فراهم کرده است.
 (۴) همراه با دریافت آزادی و حاکمیت مردم و محدودیت قدرت بوده است.
 (سراسری - ۸۳)



۱۲- در مقایسه بین جامعه‌ی سیاسی و قدرت سیاسی می‌توان فهمید که:

- (۱) جامعه‌ی سیاسی خاستگاه و مقر قدرت سیاسی است.
- (۲) جامعه‌ی سیاسی و قدرت سیاسی دو مفهوم توأمانند.
- (۳) جامعه‌ی سیاسی متکامل‌ترین جوامع است که وجه مشخصه آن وجود قدرت ناب سیاسی است.
- (۴) همه موارد

۱۳- حکومت در تبعید ژنرال دوگل براساس شرایط موجود آن زمان

- (۱) حکومتی قانونی بود.
- (۲) حکومتی حقانی بود.
- (۳) مطابق با موازین و مقررات و احکام حقوقی بود.
- (۴) اکثریت به درستی آن ایمان ندارند.

۱۴- عنصر قدرت سیاسی در حقوق اساسی:

- (۱) ناشی از آداب و سنت است.
- (۲) ضرورت سلطه زمامدار مطلق است.
- (۳) ناشی از حاکمیت مطلق گروه‌های ذی‌نفوذ است.
- (۴) ضرورت و ضمانت اجرای نظام حقوقی در جامعه‌ی سیاسی است.

۱۵- در شکل‌گیری یک جامعه‌ی سیاسی باید نظم هنجاری مستقر در جامعه از خصلت برخوردار باشد. (سراسری - ۸۴)

- (۱) اجتماعی
- (۲) اقتصادی
- (۳) حقوقی
- (۴) سیاسی

۱۶- حقوق اساسی معیار حاکم بر نظام سیاسی است که در آن:

- (۱) قدرت زمامداری «تنظیم» و حقوق مردم «تضمین» می‌شود.
- (۲) نهادهای حاکم «مشخص» و تفکیک قوا «تضمین» می‌شود.
- (۳) قدرت زمامداری «تضمین» و حقوق مردم «تنظیم» می‌شود.
- (۴) «حقوق مردم» در محدوده «اقتدار حکومت» مردمی تعیین می‌شود.

۱۷- موضوع اصلی قانون اساسی:

- (۱) تحلیل حقوقی- سیاسی هر جامعه‌ای است.
- (۲) تحلیل حقوقی و تضمینی قدرت حاکم است.
- (۳) بیان شرح وظایف حکومت و توجیه قدرت سیاسی است.
- (۴) انتظام قوای عمومی در جهت تضمین حقوق شهروندی است.

۱۸- قانون اساسی مجموعه مقررات و موازینی است که:

- (۱) صرفاً به قوای حاکم و روابط متقابل آن‌ها می‌پردازد.
- (۲) محورهای بنیادین آن عبارت است از حاکمیت ملت، حاکمیت قانون و حقوق و آزادی‌های اساسی مردم می‌باشد.
- (۳) اقتدار دولت و تکلیف مردم را مشخص می‌کند.
- (۴) به بیان نظام سیاسی جامعه می‌پردازد.

۱۹- قانون اساسی مجموعه قواعدی است که:

- (۱) اقتدارات و اختیارات زمامداران را تضمین می‌کند.
- (۲) قدرت زمامداران را تنظیم و حقوق و آزادی مردم را تضمین می‌کند.
- (۳) حقوق مردم را در چارچوب قدرت زمامداران تنظیم می‌کند.
- (۴) قدرت زمامداران را تضمین و حقوق و آزادی‌های مردم را تحدید می‌کند.

۲۰- قانون اساسی:

- (۱) مجموعه قواعد بیان‌کننده‌ی تشکیلات و نهادهای حکومتی و تکلیف مردمی است.
- (۲) مجموعه‌ای است که به بررسی تحلیلی نظام سیاسی، قوای سه‌گانه و روابط متقابل آن‌ها می‌پردازد.
- (۳) مجموعه قواعدی است که به تحلیل اقتدارات زمامداری تشکیلات حکومتی و حقوق مردم می‌پردازد.
- (۴) مجموعه قواعدی است که اقتدارات زمامداری را تنظیم و حقوق مردم را تضمین می‌کند.

(آزاد - ۷۷)



- ۲۱- مهم‌ترین وجه ممیز قانون اساسی مدون با سایر قوانین چیست؟
 (۱) تغییر و اصلاح قانون اساسی مدون از سایر قوانین مشکل‌تر است.
 (۲) در قانون اساسی همیشه کلی‌ترین و پایه‌ای‌ترین قواعد مطرح است.
 (۳) قواعد مندرج در قانون اساسی مدون ماهیتاً با سایر قوانین تفاوت دارد.
 (۴) قانون اساسی مدون به وسیله قوه مؤسس وضع می‌شود، اما قوانین عادی توسط قوه مقننه.
 (سراسری - ۷۲)
- ۲۲- قانون اساسی در مفهوم عام مجموعه مقررات مربوط به:
 (۱) نهادهای سیاسی کشور است.
 (۲) اصول حاکم بر روابط سیاسی افراد است.
 (۳) تعیین محدوده و منشاء قدرت و انتقال و اجرای آن است.
 (۴) کیفیت توزیع قدرت بین فرمانروایان است.
 (سراسری - ۸۱)
- ۲۳- در نظام سیاسی انگلیس کنترل مطابقت قانون عادی با قانون اساسی:
 (۱) بر عهده دادگاه‌های عمومی است.
 (۲) در صلاحیت شاه یا ملکه است.
 (۳) در صلاحیت کمیته حقوق لردان است.
 (۴) موضوعیت ندارد.
 (سراسری - ۷۵)
- ۲۴- در نظام سیاسی فرانسه کدام مقامات حق ارجاع قانون به شورای قانون اساسی را دارند؟
 (۱) رئیس جمهور - نخست وزیر و ۶۰ تن از نمایندگان و رؤسای هر یک از دو مجلس
 (۲) رئیس جمهور - نخست وزیر و رؤسای هر دو مجلس
 (۳) رئیس جمهور و نخست وزیر
 (۴) رئیس جمهور - نخست وزیر و رئیس شورای قانون اساسی
 (سراسری - ۸۰)
- ۲۵- پیش‌بینی نهاد شورای قانون اساسی برای چه هدفی است؟
 (۱) حمایت از مجالس قانون‌گذاری
 (۲) تحدید حدود قدرت
 (۳) تجدید نظر در قانون اساسی
 (۴) بررسی سازگاری قانون اساسی با قانون عادی
 (سراسری - ۸۳)
- ۲۶- قانون اساسی:
 (۱) کلیه‌ی قواعدی که به تحدید قدرت و بیان آزادی افراد منتهی می‌شود می‌پردازد.
 (۲) کلیه‌ی قواعدی که به توجیه عملکرد قوای سه‌گانه و روابط متقابل آنهاست بحث می‌کند.
 (۳) مجموعه‌ی مقررات تشکیلات حکومتی و تکالیف مردم نسبت به آن می‌باشد.
 (۴) مجموعه‌ی قواعد مربوط به قدرت و انتقال و اجرای آن است و حوزه‌ی آزادی‌های فردی را ترسیم می‌کند.
 (سراسری - ۸۳)
- ۲۷- روش کنترل قانون اساسی توسط ارگان سیاسی در کدام کشور پی‌ریزی شد؟
 (۱) آمریکا
 (۲) انگلستان
 (۳) فرانسه
 (۴) ایران
 (آزاد - ۸۵)
- ۲۸- قانون اساسی به عنوان میثاق ملی:
 (۱) مبین برتری حقوق و آزادی‌های مردم و محدودکننده‌ی اقتدار حکومتی است.
 (۲) تنظیم‌کننده‌ی حقوق و مردم و تضمین‌کننده‌ی اقتدار حکومتی است.
 (۳) زمینه‌ساز انحصار قدرت برای جلوگیری از هرج و مرج می‌باشد.
 (۴) تعیین‌کننده صلاحیت نهادهای حکومتی و تکالیف مردمی است.
 (آزاد - ۸۷)
- ۲۹- قانون اساسی مجموعه قواعدی است که:
 (۱) قدرت زمامداران را تنظیم، حقوق و آزادی مردم را تضمین می‌کند.
 (۲) اقتدارات و اختیارات زمامداری را تضمین می‌کند.
 (۳) حقوق مردم را در چارچوب قدرت زمامداران تنظیم می‌کند.
 (۴) قدرت زمامداران را تضمین، حقوق و آزادی‌های مردم را تنظیم می‌کند.



۳۰- قانون اساسی قواعدی است که

(سراسری - ۸۷)

- ۱) حقوق مردم را تضمین نموده و اقتدار زمامدار را تنظیم می‌کند.
- ۲) تشکیلات، نهادهای حکومتی و تکالیف مردم را بیان می‌کند.
- ۳) اقتدار زمامداری را تحلیل نموده و به تشکیلات حکومتی و حقوق مردم می‌پردازد.
- ۴) به بررسی تحلیلی نظام حاکم، قوای سه‌گانه و روابط متقابل آن‌ها می‌پردازد.

۳۱- موضوع اصلی حقوق اساسی:

(آزاد - ۸۸)

- ۱) تنظیم و تنسيق محدوده‌ی قدرت حکومتی و به‌ویژه تضمین برتری حقوق و آزادی‌های مردم است.
- ۲) بیان گسترده‌ی وظایف و اختیارات حکومت، تفکیک قوای سه‌گانه و تنظیم روابط آنهاست.
- ۳) تحلیل حقوقی قدرت حاکم است.
- ۴) تحلیل حقوقی - سیاسی جامعه است.

پاسخ سؤالات چهار گزینه‌ای فصل اول و دوم

- ۱- گزینه ۴ صحیح است. حقوق اساسی، حقوق روابط فرمانروایان و فرمانبران است.
- ۲- گزینه ۳ صحیح است.
- موضوع حقوق اساسی: بررسی پدیده‌های نهادین شده سیاسی با شیوه‌های حقوقی است.
- ۳- گزینه ۱ صحیح است. قدرت مشروع (حقانی) قدرتی است که منطبق بر نظام‌های ارزشی جامعه باشد.
- ۴- گزینه ۲ صحیح است.
- منشاء قدرت سیاسی در تشکیل دولت ناشی از نیاز جامعه است.
- ۵- گزینه ۴ صحیح است.
- ۶- گزینه ۳ صحیح است.
- جامعه‌ی سیاسی خاستگاه و مقرر قدرت سیاسی است.
- ۷- گزینه ۴ صحیح است.
- منشاء قدرت سیاسی در تشکیل دولت ناشی از نیاز جامعه است.
- ۸- گزینه ۱ صحیح است.
- ۹- گزینه ۴ صحیح است.
- تأثیر متقابل قدرت و حقوق بر یکدیگر: ۱- حقوق بر اثر الزام اجتماعی به وجود می‌آید. ۲- قواعد عمومی توسط اقتدار عمومی بر افراد و گروه‌های اجتماعی تحمیل می‌شود.
- ۱۰- گزینه ۴ صحیح است.
- ۱۱- گزینه ۴ صحیح است.
- آن دسته از قدرت‌های نهادین موجود در جوامع سیاسی که هدف آن‌ها اعمال نوع ویژه‌ای از قدرت نظیر حکومت و تمشیت امور سیاسی جامعه باشد قدرت سیاسی به معنای واقعی به شمار می‌آیند.
- حقوق اساسی هم جواز اعمال قدرت بر پایه اصول و قواعد قانونی و هم مانع عملکردهای بی‌بند و بار آن است.
- ۱۲- گزینه ۴ صحیح است.
- * جامعه سیاسی خاستگاه و مقرر قدرت سیاسی است.
- * جامعه تکامل یافته همان جامعه سیاسی است و قدرت تکامل یافته همان قدرت سیاسی است.
- * جامعه سیاسی و قدرت سیاسی دو مفهوم توأمند.
- ۱۳- گزینه ۲ صحیح است. حکومت در تبعید ژنرال دوگل براساس حکومت حقانی بود.
- ۱۴- گزینه ۴ صحیح است.
- قدرت موجود در درون جامعه سیاسی از نوع سیاسی است.
- ۱۵- گزینه ۳ صحیح است.
- نظم هنجاری مستقر در جامعه سیاسی باید از خصلت حقوقی برخوردار باشد.
- ۱۶- گزینه ۱ صحیح است.
- حقوق اساسی به عنوان یکی از شاخه‌های مهم حقوق اختصاصاً به روابط سیاسی بین فرمانروایان و فرمانبران می‌پردازد و از یک سو قدرت نهادهای حاکم را تنظیم و از سوی دیگر حقوق مردم را تضمین می‌کند.
- ۱۷- گزینه ۴ صحیح است.
- قانون اساسی از یک سو حد و مرز آزادی فرد را در برابر عملکردهای قدرت (نهادهای فرمانروا) و از سوی دیگر حدود اعمال قوای عمومی را در برخورد با حوزه‌ی فردی ترسیم می‌کند.
- ۱۸- گزینه ۲ صحیح است.
- قانون اساسی از یک سو حد و مرز آزادی فرد را در برابر عملکردهای قدرت (نهادهای فرمانروا) و از سوی دیگر حدود اعمال قوای عمومی را در برخورد با حوزه‌ی حقوق فردی رسم می‌کند.



۱۹- گزینه ۲ صحیح است.

۲۰- گزینه ۴ صحیح است.

۲۱- گزینه ۴ صحیح است.

برجستگی قانون اساسی نسبت به سایر قوانین یکی به سبب صلاحیت برتر واضح آن و دیگری به علت شیوهی خاص تجدیدنظر در آن است. قوانین اساسی به وسیلهی قوهی مؤسس و قانون عادی توسط قوهی مقننه (پارلمان) وضع می‌شود.

۲۲- گزینه ۳ صحیح است.

قانون اساسی به کلیه قوانین و مقررات موضوعه یا عرفی مدون یا پراکنده گفته می‌شود که مربوط به قدرت و انتقال و اجرای آن است.

۲۳- گزینه ۴ صحیح است.

شورای قانون اساسی در فرانسه عهده‌دار بررسی انطباق قوانین عادی با قانون اساسی است. اما این امر در کشور انگلستان موضوعیت ندارد.

۲۴- گزینه ۱ صحیح است.

قوانین عادی زمانی توسط شورای قانون اساسی بررسی می‌شوند که از سوی برخی مقامات (رئیس جمهور، نخست وزیر و رؤسای هر یک از مجالس و همچنین شصت نماینده یا سناتور) ارجاع شوند.

۲۵- گزینه ۴ صحیح است.

پیش‌بینی نهادشورای قانون اساسی یا هدف بررسی سازگاری قانون اساسی با قانون عادی می‌باشد. و همین طور در ایران اصل ۹۴ ق.ا.

۲۶- گزینه ۴ صحیح است.

۲۷- گزینه ۳ صحیح است.

روش کنترل قوانین اساسی توسط ارگان سیاسی در فرانسه پی‌ریزی شد.

۲۸- گزینه ۱ صحیح است.

قانون اساسی به عنوان میثاق ملی نشانگر آمال و آرزوهای یک ملت است و در این سند حقوق و آزادی‌های مردم تضمین گشته و از سوی دیگر اقتدار حکومتی محدود می‌گردد تا حقوق و آزادی‌های مردم رعایت گردد.

۲۹- گزینه ۱ صحیح است.

قانون اساسی، موازین حاکم بر روابط سیاسی افراد در ارتباط با دولت و نهادهای سیاسی کشور و شیوه تنظیم آن‌ها است و همچنین شامل کیفیت توزیع قدرت میان فرمانروایان و فرمانبرداران نیز می‌گردد. (ر. ک. بایسته‌های حقوق اساسی- دکتر قاضی- صفحه‌ی ۳۹)

۳۰- گزینه ۱ صحیح است.

قانون اساسی حقوق مردم را در مقابل قدرت حاکمیت تضمین نموده و از سوی دیگر اقتدار زمامدار را نیز تنظیم می‌نماید.

۳۱- گزینه ۱ صحیح است.

